

جغرافیا و توسعه شماره ۳۲ پاییز ۱۳۹۲

وصول مقاله: ۱۳۹۰/۲/۲۷

تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۹/۱۴

صفحات: ۱-۱۴

بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان (با تمرکز بر توسعه مراکز رشد روستایی، توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و توانمندسازی زنان روستایی)

دکتر باقر کرد^۱، دکتر عبدالعزیز آبتین^۲

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. بدین منظور در ابتدا پیشینه تحقیق همراه با تحقیقات صورت گرفته در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. سپس بر اساس بررسی نظری، متغیرهای "ایجاد مراکز رشد روستایی"، "توانمندسازی زنان و دختران روستایی" و "توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاهای استان سیستان و بلوچستان"، به عنوان عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی، در روستاهای استان سیستان و بلوچستان شناسایی شد و بر همین اساس پرسشنامه‌ای با هماهنگی و استفاده از نظرات خبرگان طراحی گشت و در اختیار نمونه‌ی ۱۴۰ نفری از جامعه آماری دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان قرار داده شد. داده‌های جمع‌آوری شده بعد از کدبندی از طریق آزمون آماری رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Lisler مورد تحلیل قرار گرفت. در هر دو روش به اعتقاد مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، متغیرهای توانمندسازی زنان و دختران روستایی استان و توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در روستاهای استان با توسعه کارآفرینی روستایی ارتباط معنی‌داری ندارند اما متغیر ایجاد مراکز رشد روستایی در روستاهای استان با توسعه کارآفرینی روستایی رابطه معنی‌داری دارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه روستایی، کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، توانمندسازی زنان و دختران روستایی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، انکوباتور روستایی، سیستان و بلوچستان.

مقدمه

رشد و توسعه‌ی نواحی روستایی با توجه به نقش آن‌ها در فرایند توسعه‌ی ملی به ویژه در زمینه‌ی تأمین مواد غذایی، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۲). به همین دلیل اندیشمندان و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف نسبت به توسعه‌ی روستایی و رفع مشکلات و معضلات آن‌ها توجه ویژه‌ای دارند. امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این باورند که جدا از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان توسعه و توسعه‌ی اقتصادی، باید به طور ویژه و مشخص به امر توسعه‌ی روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده‌ی حاکم بر آن‌ها نیز پرداخت. از طرفی با توجه به اینکه بخش وسیعی از کشور ایران را روستاها تشکیل می‌دهند که کانون استقرار سهم چشمگیری از جمعیت و نیروی فعال کشور می‌باشد و حجم ارزش صادرات محصولات کشاورزی و صنایع وابسته به آن، در رابطه با ارزش آوری و تولید ناخالص داخلی، نسبت به سایر بخش‌ها، بعد از نفت جایگاه نخست را دارد (مطیعی/نگرودی و همکاران، ۱۳۸۴: ۸۵) و در استان سیستان و بلوچستان نیز بیش از ۱۲۱۲۵۴۴ نفر که معادل ۵۰ درصد جمعیت استان می‌باشد در روستاها سکونت دارند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) بنابراین باید اذعان نمود که توسعه‌ی روستایی این استان هم به عنوان زیربنای رشد و توسعه‌ی کل استان می‌تواند واجد نقش و تأثیر محوری باشد. اینک سؤال اساسی این است که این توسعه چگونه باید اتفاق بیفتد تا جامعه با اتکای به یکی از عوامل استراتژیک خود به طرز معجزه‌آسایی و با تحمل کمترین هزینه توان حضور در عصر متلاطم جامعه‌ی جهانی را بیابد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان ادعا نمود که از بین رویکردهای مختلفی که برای این امر متصور است عنصر کارآفرینی آن‌چنانکه اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و تجربه‌های جهانی توصیه می‌کنند، می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین و

بهترین گزینه‌های توسعه‌یافتگی تلقی گردد. مطالعات مختلف نشان داده است که یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه (چه در شهرها و چه در روستاها) ایجاد اشتغال و رفاه و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری افراد و منابع، و بالتبع افزایش درآمد مردم جامعه می‌گردد (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۶۴).

اما توسعه‌ی کارآفرینی در روستاها نیز همچون شهرها مستلزم فراهم نمودن پیش‌نیازهای اساسی از جمله: آموزش، ترویج فرهنگ کارآفرینی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها و... است (Russel & Kerry, 2008: 431). با توجه به حجم بسیار بالای آن‌ها، در تحقیق حاضر سه دسته از عوامل که به نوعی بستری برای توسعه‌ی سایر عوامل می‌باشند مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

- ۱- توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاها
- ۲- توانمندسازی زنان و دختران روستایی
- ۳- ایجاد مراکز رشد روستایی در روستاها

پیشینه‌ی تحقیق

۱- کارآفرینی و توسعه‌ی روستایی

اگرچه فقر مشکلی جهانی است، اما بیشترین نماد آن در بخش روستایی باعث شده که به عنوان مهم‌ترین مشکل نواحی روستایی مطرح شود (Chamhuri, 1996: 33). بنابراین روستا به عنوان بخش بزرگی از نظام اجتماعی و جمعیتی جامعه که در آن تعداد کثیری از عوامل انسانی مولد سکونت دارند، قابل تأمل می‌باشد. چرا که بسیاری از هزینه‌ها و تبعات ناگواری که امروزه تحت عنوان معضلات اجتماعی- اقتصادی، جامعه را فراگرفته و باعث بی‌نظمی‌ها و اضطراب‌های اجتماعی در اشکال مختلف به ویژه ناامنی‌ها، ناهنجاری‌های رفتاری، کج‌خلقی‌های اجتماعی و بداخلاقی‌ها و نیز بروز پدیده‌هایی همچون رشد بی‌رویه‌ی مهاجرت، افزایش میزان حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهرها و بسیاری

بهسازی محیط روستاها مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی است. در واقع کلیه اقدامات و فعالیت‌هایی که می‌تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و بهره‌برداری مطلوب و پایدار به‌طور کلی به بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی یاری رسانند در قلمرو کارآفرینی روستایی قرار می‌گیرند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

کارآفرینی می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای روستاییان ایجاد کند تا درآمد و سرمایه‌ی خود را افزایش دهند. همچنین با ایجاد مؤسسات جدید و کسب و کارهای کوچک و متوسط، استانداردهای زندگی در جوامع روستایی را بهبود بخشد. اهمیت موضوع کارآفرینی از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی می‌باشد مثلاً کشورهای توسعه‌یافته با استفاده از فعالیت‌های خلاقانه حیاتی دوباره به اقتصاد خود می‌بخشند و مشکلات ناشی از بیکاری را با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید ناشی از فعالیت‌های کارآفرینانه حل می‌نمایند، همچنین آن به صورت یک کاتالیزور بالقوه جهت پیشرفت تکنولوژیکی و نوآوری در محصول و بازار پذیرفته می‌شود (Yonca & Akdeniz, 2006: 26). رابطه بین کارآفرینی و توسعه‌ی اقتصادی از زمان‌های پیش مورد بحث بوده است. حتی در گذشته اقتصاددان بزرگ جوزف شومپتر (۱۹۳۴) پدیده‌ی کارآفرینی را به عنوان "انجام ترکیبات جدید" توصیف نموده است (Sibylle Heilbrunn, 2005: 422). جانسون و همکارانش (۲۰۰۶) معتقدند کارآفرینی یک مفهوم چندوجهی پیچیده‌ای است که امروزه توجه زیادی را به خود جلب کرده است و بیشتر صاحب‌نظران توافق دارند که کارآفرینی و کارآفرینان سهم بسزایی در توسعه‌ی اقتصادی دارند (Johnson, 2006: 41).

مشکلات دیگر؛ حاصل نادیده گرفتن سهم روستا و روستائینان در فرایند توسعه می‌باشد. در دهه‌های اخیر، تجربیات توسعه‌ی روستایی در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که این مهم با تزریق سرمایه و فناوری تحقق نمی‌یابد، بلکه عوامل بسیاری در این قضیه دخیلند. امروزه توجه به روحیه‌ی کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه‌ی روستایی محسوب می‌شود. اهمیت کارآفرینی در توسعه‌ی روستایی از آنجا ناشی می‌شود که فرد کارآفرین می‌تواند با شناسایی فرصت‌ها و مشکلات موجود، به ابداع راه‌کارهای نوین در جهت رشد و توسعه همت گمارد. بدین ترتیب کارآفرینی می‌تواند از طریق ایجاد اشتغال، بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب درآمد و بهره‌برداری بهینه از منابع، نقش مهمی در توسعه‌ی روستایی داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۶). اگرچه کارآفرینی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما اقتصاددانان این امر را مهم‌ترین عامل توسعه‌ی اقتصادی روستاها دانسته و سیاستمداران آن را یک راهبرد کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی‌ها در روستاها می‌دانند. همچنین کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود که می‌تواند خودکفایی، استقلال و کاستن از نیازهای اجتماعی آنان را در پی داشته باشد، می‌دانند (Laukhanen, 2003: 372). زیرا زمینه‌های استفاده از کارآفرینی در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است. در واقع این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی محسوب می‌شوند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طیور، زنبورعسل و فعالیت‌های جنگلداری، آبخیزداری و حفظ منابع طبیعی، حفظ محیط زیست، توسعه‌ی صنایع روستایی (صنایع دستی، خانگی، کارگاهی و کارخانه‌ای)، گردشگری روستایی، مسکن روستایی و

اطلاعات را امکان‌پذیر می‌کند (رسولی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۹). امروزه ICT یکی از عمده‌ترین معیارهای توسعه و پیشرفت اقتصادی و صنعتی محسوب می‌گردد و بسیاری از کشورهای جهان، توسعه‌ی فناوری اطلاعات را یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های توسعه خود قرار داده‌اند به طوری که دولت آمریکا مهم‌ترین سرفصل توسعه‌ی خود را به موضوع فناوری اطلاعات اختصاص داده و انگلستان سعی نموده از سال ۲۰۰۴ کلیه‌ی خدمات عمومی و دولتی را از طریق اینترنت سرویس‌دهی کند (قضاوی و ولی، ۱۳۸۲: ۴۸).

جوامع روستایی همانند سایر بخش‌ها از توسعه ICT تأثیر پذیرفته‌اند (نوری، ۱۳۸۲: ۹). با ورود فناوری اطلاعات به مناطق روستایی، روش‌های سنتی، کاربر و ناکارآمد کشاورزی و دامپروری جای خود را به شیوه‌های مدرن و مؤثر می‌دهد. این موضوع خود باعث افزایش منابع درآمدی روستاییان می‌گردد. همچنین گسترش اینترنت در مناطق روستایی، مرزهای متعارف دسترسی به امکانات و اطلاعات را از میان برمی‌دارد و مناطق روستایی را مستقیم و آسان به جهان متصل می‌کند (اخوت و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۳).

۳- توانمندسازی زنان و دختران روستایی

بدون شک از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های دستیابی به پیشرفت در جوامع امروزی، "توسعه‌ی مهارت‌های نیروی انسانی" می‌باشد (Zhongming Wang & Zhi, 2005: 547). توسعه به اتکای دو منبع مهم سرمایه‌ای، سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی صورت می‌گیرد. سرمایه‌ی انسانی را می‌توان به این شکل تعریف کرد: دانش، مهارت، شایستگی‌ها و ویژگی‌هایی که در افراد جمع می‌شود و دستیابی به موفقیت‌های شخصی، اقتصادی و اجتماعی را آسان می‌کند (کردستانی، ۱۳۸۷: ۲۷). منابع انسانی توسعه‌یافته عامل کلیدی و پیش شرطی برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی است و رسیدن به اهداف توسعه بدون

پترین کارآفرینی روستایی را مجموع سه گزاره ذیل تعریف می‌نماید:

الف- نیرویی که سایر منابع را برای پاسخگویی به یک تقاضای پاسخ بازار بسیج می‌کند.

ب- توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ.

ج- فرآیند خلق ارزش به وسیله‌ی امتزاج مجموعه واحدی از منابع در راستای بهره‌گیری از یک فرصت.

آنچه در مجموع می‌توان برای تعریف مقوله کارآفرینی روستایی به کار برد عبارتست از: به‌کارگیری نوآورانه‌ی منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب و کار (پترین، ۱۳۸۱: ۳۵).

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، کارآفرینی روستایی به عنوان راهبردی برای توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح است. مثلاً در کشور سوئد اتحادیه‌ی اقتصاد روستایی و جوامع کشاورزی یکی از سازمان‌هایی است که در زمینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی فعالیت می‌کند. این سازمان هشتصد عضو دارد و هدف آن توسعه‌ی کارآفرینی روستایی و ایجاد محیطی بهتر در شهرها و حومه‌ی آنهاست. به طور کلی این سازمان مرکب از ۲۵۰ مشاور با صلاحیت‌های مختلف است که دانش فنی را بر اساس مطالعات و تحقیقات تجربی توسعه و انتقال می‌دهند (احمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹۹). همچنین در کشور چین کارآفرینی از طریق خود اشتغالی نقش مهمی در توسعه‌ی روستایی داشته است. طبق بررسی‌های انجام شده در سال‌های ۱۹۹۵ الی ۱۹۹۸، خود اشتغالی سریع‌ترین رشد بخش غیر کشاورزی در روستاهای این کشور بوده و حدود سی میلیون نفر از این طریق مشغول به کار شده‌اند (Sandeep et al, 2007: 163).

۲- توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاها

فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱، مجموعه‌ای از سخت‌افزار، نرم‌افزار و فکرافزارهاست که گردش و بهره‌برداری از

مهمی از این راه‌حل‌ها باشند و از طریق ارائه خدمات حمایتی در توسعه محلی نقش مهمی ایفا نمایند (Andrew & Paul, 2006: 58).

در طول دهه‌ی گذشته برنامه‌های توسعه واحدهای رشد ظاهر شدند که نقش مهم کسب و کارهای کوچک را در توسعه اقتصادی و کاهش نرخ مرگ و میر و نرخ شکست شرکت‌ها در ابتدای کار را مهم جلوه دهند (Muhamad Abduh at all, 2007: 74).

واحدهای رشد روستایی نظیر مراکز رشد فناوری، یک سازمان کوچک حرفه‌ای با طراحی نوین می‌باشند که با دریافت تسهیلات دولتی در مسیر احیاء ظرفیت‌های توسعه روستایی به صورت میدانی فعالیت می‌نمایند و در طول دوران استقرار و فعالیت واحدهای رشد در هر منطقه روستایی با به‌کارگیری عوامل مختلف علمی، اقتصادی و فرهنگی- اجتماعی و حمایت از صاحبان ایده‌های نو و فناورانه روستایی موجب افزایش بهره‌وری در ابعاد مختلف زندگی می‌گردند. به این ترتیب واحدهای رشد نقش خطیری در زنده‌کردن جریان تولید، کار و تلاش و یافتن ظرفیت‌های پنهان و پنهان شغلی در این جوامع بر دوش خواهند داشت. هر واحد رشد پس از شناسایی مراکز روستایی مناسب برای استقرار و هماهنگی‌های مربوطه و تهیه‌ی طرح توجیهی مناسب برای توسعه آنجا با استقرار در آنجا فعالیت‌های خود را آغاز می‌نماید. با توجه به توزیع جغرافیایی روستاهای کشور یک واحد رشد با استقرار در یک روستای مرکزی می‌تواند مسؤولیت رشد چندین روستای اطراف آن را بر عهده گیرد (زمانی، ۱۳۸۴: ۲۷۴).

متدولوژی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ شیوه‌ی اجرای تحقیق و ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. از نظر هدف، تحقیق تحقیقی کاربردی می‌باشد که در صدد رفع مشکلی خاص برای جامعه می‌باشد.

استفاده از نیمی از پیکره‌ی جامعه یعنی زنان، امری غیرممکن خواهد بود و به همین دلیل زنان روستایی توانمند نقش مؤثری در توسعه روستایی خواهند داشت. توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵). در تعریفی دیگر از توانمندسازی زنان آمده است که توانمندسازی زنان یعنی آن‌ها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خوشتن باشد، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های مورد نظر دست یابند (فرخی، ۱۳۷۶: ۷۶).

در استان سیستان و بلوچستان بخش وسیعی از تولیدات کشاورزی، فرآورده‌های دامی بر عهده‌ی زنان بوده و جمعیت زنان و دختران روستایی بالای ۱۵ سال حدود ۳۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود که یک چهارم جمعیت استان را تشکیل می‌دهد.

۴- ایجاد و توسعه مراکز رشد روستایی

برخی از مشکلات اساسی که اقتصادهای نوظهور با آن روبرو هستند عبارت است از: افزایش قدرت رقابت، کاهش فاصله‌ی اقتصادی و صنعتی با کشورهای توسعه یافته و دستیابی به یک موقعیت مناسب در مقایسه با کشورهای منطقه. موفقیت اقتصاد ملی و سیاست‌های صنعتی هر کشور بستگی زیادی به یافتن جواب مناسب به مسائل و مشکلات فوق‌الذکر و برخی سؤالات دیگر دارد. این مشکلات پیچیده‌اند و در نتیجه نیاز به راه‌حل‌های پیچیده نیز دارند. انکوباتورها می‌توانند بخش

سکونت در روستا را ندارند؛ ۴۰ نفر (۲۸/۸ درصد) بین ۲۰ تا ۲۵ سال سن دارند، ۵۳ نفر (۳۸/۱ درصد) بین ۲۶ تا ۳۰ سال سن دارند، ۲۹ نفر (۲۰/۹ درصد) بالای ۳۰ سال سن دارند و سن ۱۵ نفر (۱۲/۲ درصد) نامشخص است.

به منظور تعیین پایایی پرسشنامه‌ی حاضر تعداد ۳۰ پرسشنامه در جامعه‌ی آماری توزیع و گردآوری شد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای آنان عدد ۰/۹۴۲ محاسبه شده است. از آنجایی که مقدار آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷ است، بنابراین می‌توان ادعا نمود که آزمون از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. همچنین جهت آزمون روایی سؤالات از اعتبار محتوا استفاده شد. برای سنجش اعتبار محتوای پرسشنامه از نظرات متخصصان، اساتید دانشگاهی و کارشناسان خبره استفاده شد. در این مرحله با انجام مصاحبه‌های مختلف و کسب نظریات افراد یاد شده، اصلاحات لازم به عمل آمده و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان خصیصه‌ی مورد نظر محققان را می‌سنجد.

فرضیات تحقیق

در تحقیق حاضر برای بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان سه فرضیه به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

فرضیه اول: توانمندسازی زنان و دختران روستایی استان سیستان و بلوچستان با توسعه‌ی کارآفرینی در روستاهای استان رابطه‌ی معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم: ایجاد مراکز رشد روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان با توسعه‌ی کارآفرینی در روستاهای استان رابطه‌ی معنی‌داری دارد.

داده‌های مورد نیاز برای تحلیل فرضیات تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه و پرسشنامه به دست آمده‌اند و عمده‌ترین روش پرسشنامه بوده است. با استفاده از رگرسیون چندگانه، داده‌های به دست آمده از نمونه‌ها تجزیه و تحلیل شده‌اند. در تحلیل رگرسیون هدف پیش‌بینی تغییرات یک یا چند متغیر وابسته با توجه به تغییرات متغیرهای مستقل است (سرمد و همکاران، ۱۳۸۰: ۹۱). رگرسیون چندگانه روشی است برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرات یک متغیر وابسته (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۱: ۴۸۰). از آنجا که وظیفه‌ی اساسی علم، پیش‌بینی و تبیین پدیده‌هاست (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۱۰)، بنابراین در تحقیقاتی که بر پیش‌بینی یا تبیین ناظرند، رگرسیون می‌تواند نقش بارزی ایفا کند. نکته‌ی مهم در استفاده از رگرسیون چندگانه آن است که این روش توانایی استفاده از انواع متغیرها را با سهولت ممکن و برابری کامل برخوردار است و به علاوه حداکثر استفاده از داده‌ها را در تبیین و توضیح پراکندگی‌های مختلف به عمل می‌آورد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۱: ۴۹۵).

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان سیستان و بلوچستان می‌باشد و با استفاده از رابطه‌ی ریاضی $n = Z \alpha \times 2 \times \sigma \varepsilon 2$ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت ۰,۱۱، تعداد ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی مربوطه بین آن‌ها توزیع شده است. در نهایت ۱۳۷ پرسشنامه برگشت داده شد که بر مبنای آن‌ها فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند. از میان ۱۳۷ نفر، ۷۸ نفر (۵۶/۱ درصد) مرد، ۵۸ نفر (۴۳/۲ درصد) زن و ۱ نفر (۰/۷ درصد) نامشخص؛ ۵۶ نفر (۴۰/۳ درصد) رشته‌های علوم انسانی، ۲۸ نفر (۲۰/۱ درصد) رشته‌های علوم پایه، ۵۳ نفر (۳۹/۶ درصد) رشته‌های فنی و مهندسی؛ ۴۹ نفر (۳۵/۳ درصد) سابقه‌ی سکونت در روستا را دارند و ۸۸ نفر (۶۴/۷ درصد) سابقه‌ی

سنجش همبستگی بین متغیرها استفاده شد. به منظور بررسی وجود ارتباط و نیز میزان آن، بین متغیرها از آزمون همبستگی استفاده می‌شود. به دلیل اینکه در این تحقیق متغیرها کیفی هستند، از همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۱ منعکس گردیده است.

فرضیه سوم: توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاهای استان سیستان و بلوچستان با توسعه کارآفرینی در روستاهای استان رابطه‌ی معنی‌داری دارد.

یافته‌های تحقیق

به منظور آزمون فرضیات، ابتدا از آزمون همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن با استفاده از نرم‌افزار SPSS 18 جهت

جدول ۱: ضرایب همبستگی اسپیرمن میان متغیرهای تحقیق

ایجاد مراکز رشد روستایی	توانمندسازی زنان و دختران روستایی	توسعه فناوری اطلاعات	توسعه کارآفرینی روستایی
			۱
		۱	۰/۴۷۵ ۰/۰۰۰
	۱	۰/۶۳۶ ۰/۰۰۰	۰/۵۶۷ ۰/۰۰۰
۱		۰/۶۲۹ ۹/۰۰۰	۰/۷۲۳ ۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۹

این آماره برای متغیری بزرگ‌تر از عدد ۲/۳۳ باشد، سطح خطای آن نیز کوچک‌تر از ۰/۰۱ یا ۰/۰۵ بوده و در نتیجه خواهیم گفت که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته داشته است. ضمن آنکه، در هنگام تفسیر مقدار t ، به علامت مثبت یا منفی آن توجه نکرده و تنها قدر مطلق آن را گزارش می‌دهیم (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۱: ۴۹۲).

فرضیه اول: مطابق جدول شماره ۲، با توجه به اینکه مقدار آماره t برای متغیر توانمندسازی زنان و دختران روستایی برابر با (۰/۹۴۳) که کوچک‌تر از (۲/۳۳) است و سطح خطای آن (۰/۳۴۷)، که بزرگ‌تر از (۰/۰۵) می‌باشد؛ می‌توانیم بگوییم که از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر (دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان سیستان و بلوچستان) متغیر مستقل "توانمندسازی زنان و دختران روستایی استان سیستان و بلوچستان" رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته "توسعه کارآفرینی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان" ندارد.

ضرایب همبستگی بین متغیر توسعه کارآفرینی روستایی و توسعه فناوری اطلاعات (۰/۴۷۵)، توسعه کارآفرینی روستایی و توانمندسازی زنان و دختران روستایی (۰/۶۵۷)، توسعه کارآفرینی روستایی و ایجاد مراکز رشد روستایی (۰/۷۲۳)، توسعه فناوری اطلاعات و توانمندسازی زنان و دختران روستایی (۰/۶۳۶)، توسعه فناوری اطلاعات و ایجاد مراکز رشد روستایی (۰/۵۳۰) و توانمندسازی زنان و دختران روستایی و ایجاد مراکز رشد روستایی (۰/۶۲۹) به دست آمده و در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد. به منظور سنجش رابطه‌ی علی که در فرضیات ذکر شده بودند، از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. در آزمون فرضیات با استفاده از رگرسیون چندگانه، آماره t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل را نشان می‌دهد. برای اینکه تشخیص دهیم کدام متغیرها تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند، می‌توانیم به مقدار t نگاه کنیم. معمولاً هرگاه قدر مطلق مقدار

وابسته" توسعه‌ی کارآفرینی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان" ندارد. نمودار شماره ۱، نتایج آزمون فرضیات به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود با توجه به معنی‌دار نبودن ارزش t ($0/80$)، فرضیه‌ی اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود. یعنی به نظر مشارکت‌کننده‌های تحقیق حاضر با توسعه‌ی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در روستاهای استان سیستان و بلوچستان توسعه‌ی کارآفرینی محقق نمی‌شود. همچنین با توجه به نمودار شماره ۱ و با توجه به معنی‌دار بودن ارزش t ($6/17$)، فرضیه‌ی دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. یعنی به نظر مشارکت‌کننده‌های تحقیق حاضر با ایجاد مراکز رشد روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان توسعه‌ی کارآفرینی محقق می‌شود. اما همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، با توجه به معنی‌دار نبودن ارزش t ($0/38$)، فرضیه‌ی سوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود. یعنی به نظر مشارکت‌کننده‌های تحقیق حاضر با توانمندسازی زنان و دختران روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان، توسعه‌ی کارآفرینی محقق نمی‌شود.

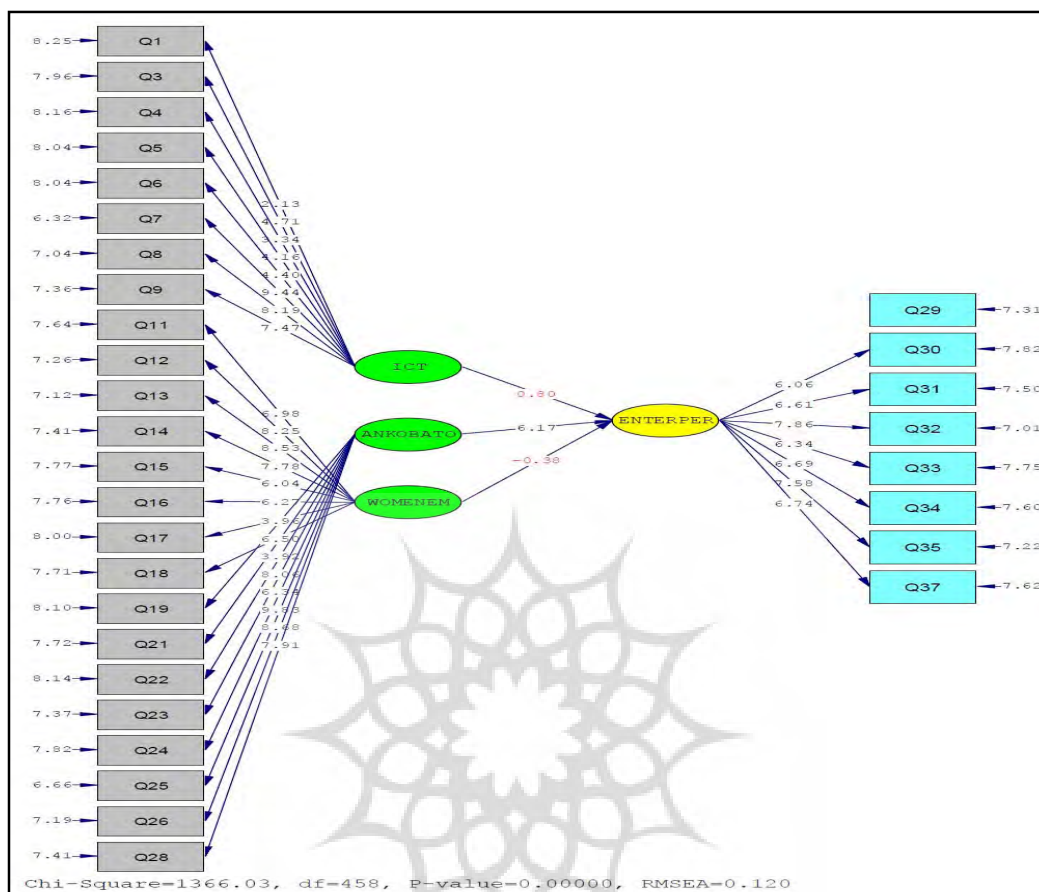
فرضیه دوم: مطابق جدول شماره ۲، با توجه به اینکه مقدار آماره t برای متغیر ایجاد مراکز رشد روستایی برابر با ($7/285$) که بزرگ‌تر از ($2/33$) است و سطح خطای آن ($0/000$)، که کوچک‌تر از ($0/05$) می‌باشد؛ می‌توانیم بگوییم که از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر متغیر مستقل "ایجاد مراکز رشد روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان" رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته "توسعه‌ی کارآفرینی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان" دارد. بر اساس ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta)، می‌توان این گونه تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر "ایجاد مراکز رشد روستایی در استان سیستان و بلوچستان" میزان توسعه‌ی کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان به میزان $0/562$ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

فرضیه سوم: مطابق جدول شماره ۲، با توجه به اینکه مقدار آماره t برای متغیر توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات برابر با ($1/916$) که کوچک‌تر از ($2/33$) است و سطح خطای آن ($0/058$)، که بزرگ‌تر از ($0/05$) می‌باشد؛ می‌توانیم بگوییم که از نظر مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر متغیر مستقل "توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستاهای استان سیستان و بلوچستان" رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر

جدول ۲: خلاصه رگرسیون برای پیش‌بینی متغیرهای مرتبط با توسعه‌ی کارآفرینی روستایی

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	t	سطح معنی‌داری
	B	خطای استاندارد	Beta		
توسعه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات	.180	.094	.154	1.916	.058
توانمندسازی زنان و دختران روستایی	.092	.097	.082	.943	.347
ایجاد مراکز رشد روستایی	.610	.084	.562	7.285	.000

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۹



نمودار ۱: خروجی آزمون رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته با استفاده از نرم‌افزار لیزرل (حالت استاندارد)

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۹

بحث

معناداری بین فعالیت‌های کارآفرینانه و رشد اقتصادی وجود دارد، به همین دلیل کشورهایی که از فعالیت‌های کارآفرینانه‌ی مطلوب بی‌بهره‌اند رشد اقتصادی پایینی دارند (Markley, 2005).

زنان به عنوان نیمی از جمعیت روستایی و کسانی که در فرهنگ‌سازی جامعه نقش عمده‌ای دارند، امروزه مورد توجه ویژه جامعه‌شناسان و سیاستمداران قرار گرفته‌اند و لازم است جهت نیل به توسعه‌ی پایدار اثر بخش به توانمندسازی آن‌ها توجه خاصی مبذول شود. توانمندسازی زنان در توسعه‌ی پایدار نقش اساسی دارد (موزر، ۱۳۷۲: ۱۰۳)، توفیق سیاست‌های اجتماعی، به ویژه در بعد حمایتی و فقرزدایی زنان، به عنوان یکی از

سیستان و بلوچستان با گستره‌ی حدود ۱۸۷ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع بیش از ۱۱ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است و از این نظر پهناورترین استان کشور به شمار می‌رود. جمعیت سیستان و بلوچستان بر اساس اطلاعات آماری سال ۱۳۸۵، دو میلیون و ۴۰۵ هزار و ۷۴۲ نفر است که یک میلیون و ۲۱۲ هزار و ۵۴۴ نفر از این جمعیت (بیش از ۵۰ درصد) در روستاهای استان سکونت دارند (مرکز آمار کشور، ۱۳۸۵).

نتایج حاصل از مطالعات تطبیقی پروژه‌ی دیده‌بان جهانی کارآفرینی نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و

که حق شهروندی یا اجتماعی را با واسطه‌ی پدر، فرزند و شوهر اعمال می‌کنند (دیتن‌ینانو، ۱۳۸۰: ۶۸).

بر این اساس مشارکت‌کننده‌های تحقیق حاضر با توجه به نقش علمی و عملی ایجاد مراکز رشد در توسعه‌ی کسب و کارهای جدید و توسعه‌ی مناطق روستایی، معتقدند که ایجاد و توسعه‌ی مراکز رشد روستایی یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌ی کارآفرینی روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. همان‌گونه که تعدادی از مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر عنوان نموده‌اند: "کسی که ایده‌ی نوی را مطرح می‌کند اگر حمایت و یاری نشود مطمئناً به زودی شکست خواهد خورد، ارائه‌ی راهنمایی و حمایت‌های لازم از زمان خلق یک ایده تا عملیاتی شدن آن باعث حفظ و گسترش محصولات خواهد شد... خیلی از افرادی که طرحی را ارائه می‌نمایند با بسیاری از ضوابط و مقررات تجاری و اداری و نحوه‌ی اداره یک کسب و کار آشنایی چندانی ندارند، در صورت وجود مراکز خاص برای راهنمایی و حمایت از آن‌ها ایده‌های بیشتری به بهره‌برداری خواهد رسید."

در تحقیقی که توسط "آبتین" با عنوان "بررسی شیوه‌های نوین توسعه‌ی کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان"، انجام شده است، نقش انکوباتورها در رشد و توسعه‌ی کارآفرینی در استان بسیار مهم ارزیابی شده است (آبتین، ۱۳۸۸: ۱۷۸). هرچند با ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به مناطق روستایی، روش‌های سنتی، کاربر و ناکارآمد کشاورزی و دامپروری جای خود را به شیوه‌های مدرن و مؤثر می‌دهند و این موضوع خود باعث افزایش منابع درآمدی روستاییان می‌گردد (اخوت و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۲)، اما تجربه‌های جهانی نشان‌دهنده‌ی آن است که توسعه ICT اثرات مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی

نشانگرهای اداره مطلوب امور بخش عمومی برای رفع محرومیت و تبعیض در جامعه محسوب می‌شود (شکوری، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

در استان سیستان و بلوچستان، بر اساس باورها و فرهنگ سنتی حاکم بر جامعه‌ی روستایی استان، نظیر عدم آگاهی نسبت به نحوه‌ی برخورد با دختران و زنان، تعصبات خانوادگی و موافقت نکردن شوهر یا پدر با حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی به دلایل مختلف فرهنگی و یا تمایل نداشتن به از دست دادن نیروی کار در منزل، باور و نگرش منفی نسبت به توانایی آنان، تبعیض‌های جنسیتی، فقر اقتصادی خانواده، آداب و سنن غلط نظیر خرافات، تقدیر گرایی و... فرهنگ پدرسالاری و مردسالاری و عدم اجازه حضور زنان در فعالیت‌های گروهی، دسترسی کم زنان به اعتبارات و تسهیلات، نهاده‌ها و عوامل تولید، دور از دسترس بودن خدمات ترویجی و سوگیری فعالیت‌های اجتماعی و برنامه‌های مشارکتی به سمت مردان، کمبود متخصصان زن جهت آموزش زنان روستایی، مشکلات دسترسی به خدمات و تسهیلات اجتماعی و بهداشتی و پایین بودن میزان دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان و... باعث شده است که مشارکت‌کننده‌های تحقیق حاضر توانمندسازی زنان و دختران روستایی استان سیستان و بلوچستان را به عنوان عاملی بسیار مهم در توسعه‌ی کارآفرینی روستایی قلمداد نکنند. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد، علی‌رغم تحولاتی که جوامع در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی تجربه کرده‌اند، نابرابری‌های جنسیتی و محرومیت زنان هم‌چنان به عنوان معضلی بزرگ به حیات خود ادامه داده است (شکوری، ۱۳۸۷: ۱۳۰). هگل نیز معتقد است؛ زنان اساساً تبعیدیان اجتماعی هستند

موجبات رشد و توسعه کارآفرینی را فراهم آورد ولی با توجه به مسائل مذکور در حال حاضر جزء اولویت‌های اساسی توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان نیست (مصاحبه و یادداشت‌های جمعی از مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر).

نتیجه

با توجه به تجربه جهانی توسعه روستایی نقش بسیار مهمی در توسعه جوامع ایفا می‌کند، بر این اساس کشورهای مختلف استراتژی‌های متنوعی را با توجه به شرایط و امکانات موجود در این زمینه بکار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این استراتژی‌ها که در دهه‌های اخیر بسیاری از کشورها (از جمله هند، چین، مالزی و...) به منظور توسعه روستایی به کار گرفته‌اند توسعه کارآفرینی روستایی می‌باشد. اما این داوری شفاف‌بخش امری تصادفی نبوده و پدید آمدن آن مستلزم فراهم نمودن شرایط و الزاماتی نظیر توسعه زیرساخت‌های فنی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. در تحقیق حاضر سه عامل توانمندسازی زنان و دختران روستایی، توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در روستاها و ایجاد مراکز رشد روستایی به عنوان عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه‌های استان مورد سنجش قرار گرفت که به نظر آنان دو عامل توانمندسازی زنان و دختران روستایی، توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در روستاها استان سیستان و بلوچستان با توجه به شرایط موجود، رابطه‌ی معنی‌داری با توسعه کارآفرینی روستایی استان ندارد. اما عامل ایجاد مراکز رشد روستایی (انکوباتورهای روستایی) رابطه‌ی معنی‌داری با توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان دارد.

بسیاری بر روستاها به همراه داشته است بر این اساس اگر کشورها تمایل به استفاده‌ی حداکثر از منافع توسعه ICT در جهت کاهش فقر و توانمندسازی روستاها دارند باید تلاش نمایند که با برنامه‌ریزی صحیح و دقیق بر روند توسعه ICT تأثیر گذاشته و مسیر آن را در جهت توسعه‌ی همه اقشار جامعه، اعم از فقیر و غنی و روستایی و شهری تغییر دهند. در غیر این صورت، رشد اثرات منفی توسعه نامتعادل ICT مانند افزایش فاصله‌ی شهر و روستا، افزایش فاصله‌ی طبقاتی، گسترش مهاجرت‌های روستا - شهری، فراموش شدن روستاها، از بین رفتن صنایع بومی، از دست دادن بازارهای محلی و... اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بر این اساس تنها راه توسعه‌ی پایدار روستایی، طرح‌ریزی مداخلات آگاهانه و مناسب ICT در جهت پایان دادن به محرومیت و فقر و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی روستایی است. به طوری که بتوان منافع آن را به حداکثر و مضرات آن را به حداقل ممکن کاهش داد و باید به این اصل مهم توجه داشت که فناوری اطلاعات و ارتباطات تنها یکی از ابعاد توسعه‌ی روستایی است و به هیچ وجه نمی‌توان توسعه را معادل توسعه‌ی روستایی تلقی نمود (نوری، ۱۳۸۲: ۲۹). بنابراین مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر با توجه به تجربه‌ی زندگی خویش و اطرافیان خود (وجود فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی و عدم استفاده بهینه از آنها)، و شرایط موجود روستاهای استان نظیر پایین بودن سطح سواد به صورت کلی و سواد کامپیوتر به صورت خاص روستاییان، خشکسالی‌های چندین سال اخیر، پایین بودن امکانات زیربنایی، پایین بودن اعتماد به نفس، عدم وجود سازمان‌های حمایت‌کننده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، پایین بودن سرعت اینترنت و... معتقدند هرچند که توسعه‌ی فناوری اطلاعات می‌تواند

منابع

۱. احمدپورداریانی، محمود؛ سیدمحمد مقیمی (۱۳۸۵). مبانی کارآفرینی، چاپ سوم. انتشارات دانشگاه تهران و مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران.
۲. اخوت، محمدرضا؛ قدرت‌الله عابدی (۱۳۸۲). نقش فناوری اطلاعات در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی (مطالعه موردی استان گلستان)، همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا. دانشگاه علم و صنعت ایران.
۳. آبتین، عبدالعزیز (۱۳۸۸). بررسی شیوه‌های نوین توسعه کارآفرینی در استان سیستان و بلوچستان، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی. تهران.
۴. تی. پترین (۱۳۸۱). کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، ترجمه حمیدرضا زرنگار. نشریه جهاد. سال ۲۲. شماره ۲۵۳.
۵. حبیب‌پور، کرم؛ رضا صفری (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، چاپ دوم. نشر لویه.
۶. حسینی، سیدنبی‌اله (۱۳۸۶). کارآفرینی روستایی، ضرورت استراتژیک توسعه، روزنامه تفاهم ۱۳۸۶/۶/۴.
۷. دینتینیانو، بناتریس ماینونی (۱۳۸۰). بیمه‌ها و حمایت‌های اجتماعی، ترجمه ایرج علی‌آبادی. تهران. مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۸. رسولی‌نژاد، احسان؛ محمد نوری (۱۳۸۸). اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر اشتغال ایران، مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۸۹. زمستان ۱۳۸۸.
- بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادات زیر جهت توسعه کارآفرینی روستایی در روستاهای استان ارائه می‌گردند:
- ۱- اتخاذ استراتژی‌های مناسب در راستای ایجاد انگیزه‌ی رشد و پیشرفت در دختران و زنان روستایی.
- ۲- تلاش برای حذف پیش‌داوری‌های منفی که نقش زنان در خانه را مانع موفقیت آنان در سایر زمینه‌ها می‌دانند.
- ۳- تلاش در راستای توسعه‌ی فرهنگی که جایگاه والای زن در جامعه‌ی روستایی ارتقاء دهد و دید مردان نسبت به زنان و توانایی‌های آن‌ها را بهبود بخشد.
- ۴- برنامه‌ریزی در راستای ایجاد و تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه، در واقع تلاش در راستای رفع موانع فرهنگی توسعه‌ی کارآفرینی روستایی در روستاهای استان سیستان و بلوچستان.
- ۵- برنامه‌ریزی در راستای فراهم نمودن شرایط لازم برای توسعه‌ی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در مناطق روستایی استان نظیر بالا بردن سطح سواد جامعه‌ی روستایی از طریق اتخاذ استراتژی‌های مناسب جهت نهادینه نمودن مباحث کارآفرینی در مدارس از طریق آموزش معلمان و دانش‌آموزان و سایر زیرساخت‌های فنی توسعه‌ی این‌گونه فناوری‌ها.
- ۶- انجام پروژه‌های تحقیقاتی و بررسی همه‌جانبه‌ی شرایط مناطق روستایی استان در راستای ایجاد مراکز رشد روستایی.
- ۷- بررسی تجربیات جهانی در زمینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی روستایی.

۹. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی ایران، قومس.
۱۰. رضوانی محمدرضا؛ محمد نجارزاده (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه‌ی نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان برآن جنوبی (شهرستان اصفهان)، فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال اول. شماره دوم.
۱۱. زمانی، حسین (۱۳۸۴). ایجاد واحدهای رشد برای توسعه‌ی مناطق روستایی، مجموعه مقالات دومین همایش پارک‌ها و مراکز رشد علم و فناوری ایران.
۱۲. سرمد زهره؛ عباس بازرگان؛ الهه حجازی (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، چاپ پنجم. تهران. نشر آگه.
۱۳. شکوری، علی (۱۳۸۷). سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. سال ۱۶. شماره ۶۱.
۱۴. فرخی، طاهره (۱۳۷۶). نقش زنان در توسعه‌ی پایدار، تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون. دوره جدید. شماره ۷۴.
۱۵. قضاوی، غلامرضا؛ عباسعلی ولی (۱۳۸۲). بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اجتماعی و آموزش، همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا. پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۶. کتابی، محمود؛ بهجت یزدخواستی؛ زهرا فرخی‌راستایی (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۱. سال ۳. شماره ۷.
۱۷. کردستانی، غلامرضا (۱۳۸۷). اندازه‌گیری و گزارش‌گیری سرمایه‌ی انسانی، فصلنامه حسابرس. شماره ۴۱.
۱۸. کرلینجر فرد، ان (۱۳۷۷). مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشاشریفی و حسین نجفی زند. جلد دوم. تهران. انتشارات مرکز دانشگاهی.
۱۹. مرکز آمار کشور، ۱۳۸۵.
۲۰. مطیعی‌لنگرودی، سیدحسین؛ محمود مرادی (۱۳۸۴). جایگاه صنایع در فرایند صنعتی‌سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند، پژوهش‌های جغرافیایی. شماره ۵۳.
۲۱. موزور، کارولین (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی بر حسب جنسیت در جهان سوم، نقش زنان در توسعه، تهران. روشنگران.
۲۲. نوری، مرضیه (۱۳۸۲). فناوری اطلاعات و ارتباطات و فقر روستایی، همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا. پژوهشکده الکترونیک دانشگاه علم و صنعت ایران.
23. Andrew Atherton & Paul D . Hannon (2006). Localised strategies for supporting incubation Strategies arising from a case of rural enterprise development, Journal of SmallBusiness and Enterprise Development, Vol .13 No .1.
24. Chamhuri, S (1996). Rural Development in jomo K. S. and Ng.Siew Kiat (eds), Malaysia's.
25. Johnson, Debra; Craig, Justin B. L, and Hildebrand, Ryan (2006). Entrepreneurship education: towards a discipline - based framework, Journal of Management Development, Vol 25, No 1.
26. Laukkanen Mauri (2003). "Exploring academic entrepreneurship: drivers and tensions of university - based business", Journal of Small Business and Enterprise Development, Volume 10 Number 4.
27. Markley D. M (2005). Local Strategies for responding to rural restructuring: The role of entrepreneurship, Globalization and Restructuring in rural America Conference ERS-USDA, Washington, D.C.
28. Muhamad Abduh & Clare DSouza & Ali Quazi & Henry T. Burley (2007). Investigating and classifying clients' satisfaction with business incubator services, Managing Service Quality, Vol 17. No 1.

32. Yonca Gurol and Nuray Atsan (2006). Entrepreneurial characteristics amongst university students Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey, Education + Training, Vol 48.No1.
33. Zhongming Wang and Zhi Zang (2005). Strategic human resources, innovation and entrepreneurship fit, A cross - regional comparative model, International Journal of Manpower, Vol. 26 No. 6.
29. Russel S. Sobel and Kerry A. King (2008). Does school choice increase the rate of youth entrepreneurship? Economics of Education Review 27, Elsevier.
30. Sandeep Mohapatra, S. Rozelle and R. Goodhue (2007). Development or Distress? The Rise of Self- Employment in Rural China. World Development. 35(1).
31. Sibylle Heilbrunn (2005). The impact of organizational, change on entrepreneurship in community settings, Journal of Small Business and Enterprise Development, Vol12. No.3.

